گفت‌وگو با حامد بیدی، فعال حوزه دسترسی آزاد به اینترنت

صیانت‌شدگان

سامان موحدی‌راد

دسترسی به اینترنت در ایران از ابتدای سال ۱۴۰۱ با اختلال‌های گسترده‌ای مواجه بود و هر بار برای این اختلال‌ها دلایل و بهانه‌هایی ذکر می‌شد. مرگ مهسا امینی و اعتراضات دامنه‌دار بعد از آنکه از آخرین روزهای تابستان شروع شد؛ اما بهانه‌ای به دست سیاست‌گذاران اینترنت در کشور داد تا بهانه‌ها را کنار گذاشته و دسترسی آزاد شهروندان ایرانی به اینترنت را مختل کنند. در دو ماه اخیر بارها از سوی نمایندگان مجلس و همچنین چهره‌های دولتی شنیده شده که هرگاه مراجع امنیتی صلاح ببینند، دسترسی به اینترنت ممکن است به حالت قبل بازگردد. همچنین وضعیت دسترسی به پلتفرم‌های جهانی و پرمخاطبی مانند اینستاگرام و واتس‌اپ هم هنوز معلوم نیست و مشخص نیست دسترسی ایرانی‌ها به این پلتفرم‌ها چگونه خواهد بود. اختلال در دسترسی آزاد شهروندان ایرانی به اینترنت، اجرای چراغ خاموش طرح صیانت، ماجرای شبکه ملی اینترنت، پلتفرم‌های داخلی و همچنین بازداشت فعالان عرصه دسترسی آزاد به اینترنت از مهم‌ترین موضوعات ۷۰ روز اخیر ایران در عرصه زندگی دیجیتال ایرانی‌ها بوده که درباره آنها با حامد بیدی، فعال حوزه دسترسی آزاد به اینترنت و هم‌بنیان‌گذار استارت‌آپ کارزار گفت‌وگو کردیم.

• طرح جنجالی و پربحث صیانت در دو سال اخیر به میدان آمد و عقب‌نشینی کرد؛ اما در دو ماه اخیر و با شروع اعتراضات اتفاقاتی افتاد که عملا بخش‌های زیادی از خواسته‌های طراحان این طرح‌ها محقق شد. درحال‌حاضر و در جایی که ما ایستاده‌ایم، رابطه شهروندان ایرانی با دسترسی به اینترنت چگونه است و همچنین تأثیر طرح مصوب‌نشده‌ای مانند صیانت بر زندگی آنان در این روزها چیست؟

اول باید ببینیم آن چیزی که تحت عنوان طرح صیانت سال گذشته تلاش شد تا در مجلس تصویب شود، کجای سیستم حکمرانی بر اینترنت قرار می‌گرفت. برای اینکه این مسئله را بهتر بشناسیم، هم باید اول از همه مصوبات شورای عالی فضای مجازی را مرور کنیم و همچنین به ایده راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات بپردازیم. می‌دانیم که چندسالی است تلاش می‌شود در ایران شبکه‌ای ملی به‌عنوان یک شبکه مستقل از اینترنت راه‌اندازی شود که بتواند کسب‌وکارها و پلتفرم‌های داخلی و ارتباط‌شان با کاربران را پشتیبانی کند. این ایده نسبتا قدیمی است و از زمان شکل‌گیری شورای عالی فضای مجازی در سال ۱۳۹۲ مطرح شده بود و از طرف یک گروه خاصی دنبال می‌شد. طرح صیانت یکی از تلاش‌هایی بود که بتواند معماری شبکه ملی اطلاعات را در قالب قانون دربیاورد و اجرا کند. در جریان هستیم که این طرح با فشار افکار عمومی مواجه شد و نتوانست مسیرش را از طریق مجلس پیش ببرد؛ اما امروز متأسفانه شاهد آن هستیم که خیلی از آن ایده‌ها، نه‌فقط ایده‌های مربوط به طرح صیانت بلکه ایده‌های مرتبط با معماری کلان شبکه ملی اطلاعات برنامه‌ریزی شده بود و در حال اجراشدن است. این اجراشدن به بهانه تأمین امنیت اتفاق افتاده است. امروز می‌توانیم بگوییم که بخش‌های زیادی از آن ایده‌هایی که در قالب طرح صیانت داشت دنبال می‌شد و نه دولت قبل و نه دولت فعلی علاقه‌ای به اجرای آن نداشت یا اجرایش را درحال‌حاضر به صلاح نمی‌دانست، در حال اجراشدن است.

• سؤالی که در تمام مدت راه‌اندازی ایده‌هایی مانند طرح صیانت یا شبکه ملی اطلاعات برای من مطرح شده، این است که آیا توان فنی اجرای چنین تصمیماتی وجود دارد؟ فرض کنیم که اصلا طرح صیانت هم تصویب بشود. توان فنی و اجرائی پاسخ‌گویی به نیاز میلیون‌ها ایرانی وجود دارد؟

از ابتدای شکل‌گیری شورای عالی فضای مجازی قرار بود سیاست‌های کلی حوزه اینترنت در آنجا بررسی شود. اگرچه همین تصمیم هم با انتقادهایی همراه بود و بسیاری معتقد بودند که افرادی که آنجا حضور دارند، هیچ شناختی از فضای کار در این عرصه ندارند و بیشتر نگاه مدیریتی و حکمرانی به مسئله دارند؛ اما به‌تدریج شورای عالی فضای مجازی که به همان کارویژه اولش هم انتقاداتی وارد بود، از سطح سیاست‌گذاری خارج شد و و وارد سطح قانون‌گذاری شد. درحالی‌که می‌دانیم که این بخش در حوزه وظایف مجلس است؛ اما شورای عالی فضای مجازی در این سال‌ها مصوبات زیادی دارد که از نظر سطح‌بندی حقوق‌دانان آن مصوبات را از جنس قانون می‌دانند؛ اما چون این مصوبات از سوی شورای عالی فضای مجازی تصویب شده بود، ضمانت اجرائی نداشت و دولت‌ها آنها را اجرا نمی‌کردند؛ یعنی چه دولت قبلی و چه دولت فعلی بسیاری از مصوباتی را که صراحتا وظایفی از دولت‌ها خواسته بود، مسکوت گذاشته بودند؛ چون اجرای آنها را از نظر آمادگی افکار عمومی و نیازهای جامعه منطقی نمی‌دانستند. تا اینکه الان و در این شرایط بسیاری از این مصوبات اجرائی شدند. خود این ایده از قبل در شورای عالی فضای مجازی به مصوبه تبدیل شده بود. معماری آن طراحی شده بود. زیرساخت مورد نیازش به‌تدریج توسعه یافته بود و فقط بخش‌هایی که به کاربران مربوط بود، هنوز ملموس نشده بود؛ یعنی زیرساخت مربوط به شبکه ملی اطلاعات اجرا شده بود. امکان جداکردن اینترنت از شبکه ملی اطلاعات اجرا شده بود؛ ولی هنوز از این امکان استفاده نشده بود. برای مثال ما در شهریور ۱۳۹۹ در شورای عالی فضای مجازی مصوبه‌ای را داشتیم، مبنی بر اینکه دولت در همان سال باید کل پهنای باند مصرفی خارجی را به ۳۰ درصد کل پهنای باند کاهش دهد. بگذارید کمی شفاف‌تر این تصمیم را توضیح دهم. قرار بود که ترافیک بین‌المللی ۳۰ درصد ترافیک کل مصرفی شود. به این معنی که ۷۰ درصد ترافیک مصرفی کاربران از سرورهای داخلی تأمین شود. آن زمان که این مصوبه در شورای عالی فضای مجازی مصوب شده بود، این تناسب برعکس بود. همان زمان هم هشدار داده می‌شد که این تصمیم به این معناست که پلتفرم‌های فراگیر خارجی مسدود، فیلتر یا مختل شود. همه این ادعاها در آن زمان تکذیب می‌شد؛ ولی این روزها که اینستاگرام و واتس‌اپ فیلتر شده، می‌بینیم که آقای وزیر با افتخار در مجلس می‌گوید که ما به تناسب مصرف ۷۰ درصد ترافیک داخلی و ۳۰ درصد ترافیک خارجی در کشور رسیده‌ایم. البته ایشان اشاره نمی‌کنند که کل حجم ترافیک مصرفی کشور پایین آمده و مصرف ۷۰ درصد ترافیک داخلی که به آن اشاره می‌کنند، به خاطر این محقق شده که آنها مصرف ترافیک خارجی را محدود کرده‌اند؛ وگرنه ترافیک داخلی لزوما این‌قدر افزایش نیافته است. با این حال این اتفاقات ارجاعی است به آن هدف‌گذاری‌هایی که انجام شده است؛ بنابراین باید بدانیم که هدف‌گذاری‌ها و اراده حاکمیت از قبل مشخص بود؛ اما به خاطر فشار افکار عمومی اجرائی نمی‌شد تا به اینجا رسیدیم که بخش‌های زیادی از آن استفاده شده است.

• آیا شورای عالی فضای مجازی در ایران از نظر ساختار حقوقی کشور ابتنای قانونی دارد؟ خود شما فرمودید که یک نهاد سیاست‌گذار بود که به قانون‌گذاری رسید و حالا قوانینش هم اجرا می‌شود. این مسئله قانونی است؟

ما در دو سطح می‌توانیم موضوع شورای عالی فضای مجازی را نقد کنیم. یک سطح این است که مصوبات این شورا به جای اینکه در سطح سیاست‌گذاری و عالی تعریف شود، این‌قدر وارد جزئیات شده که بعضی از بندهای مصوباتش در حد قانون و مقررات تعریف شده است. این یک مسئله است؛ چراکه وقتی رهبری هم دستور شکل‌گیری این شورا را دادند، به چنین مسئله‌ای اشاره نکرده بودند و وظیفه این شورا را تنها در سطح سیاست‌گذاری تعریف کرده بودند؛ اما اکنون شورا از سطح سیاست‌گذاری عبور کرده و این امر خلاف قانون اساسی است؛ اما نقد دیگری را هم می‌توان در لایه‌ای بالاتر به شورا داشت. به‌ویژه با توجه به مصوبه‌ای که شهریور ماه امسال شورا به تصویب رساند و در آن حوزه اختیارات کمیسیون تنظیم مقررات فضای مجازی را که از زیرمجموعه‌های این شوراست، ارتقا داد. بررسی این مصوبه و قراردادنش در کنار سایر مصوبات این شورا نشان می‌دهد که موضوع حکمرانی اینترنت بهانه‌ای شده برای اینکه این شورا و کمیسیون تنظیم مقررات زیرمجموعه آن عملا بتواند در تمام شئون زندگی مردم و کسب‌وکارها سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری کند. حقوق‌دانان این تصمیمات را به نوعی تشکیل یک قوه موازی با قوای سه‌گانه می‌دانند. به‌این‌ترتیب دست آنها باز شده تا در هر مسئله‌ای که به هر نحوی با اینترنت در ارتباط است، دخالت کنند و برایش قانون و مقررات وضع کنند. توجه داشته باشید که امروز و در سال ۱۴۰۱ وقتی می‌گوییم شورایی وجود دارد که درباره هر چیزی که به اینترنت مربوط است، می‌تواند قانون‌گذاری کند؛ یعنی داریم به هر چیزی که در زندگی شهروندان امروز ایرانی می‌گذرد، اشاره می‌کنیم؛ چون اینترنت اکنون بخش جدایی‌ناپذیر سبک زندگی ایرانی است. امروز که زندگی و کار میلیون‌ها ایرانی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به اینترنت مربوط است، باید بدانیم که شورای عالی فضای مجازی هم به معنی «شورای عالی همه چیز» است؛ چون امروز زندگی دیجیتال از زندگی واقعی آدم‌ها جدا نیست و کسب‌وکارها خط و مرز مشخصی در این حوزه‌ها ندارند و این شورا می‌تواند در تمام زمینه‌ها مداخله کند که این یک اقدام غیرقانونی و فراقانونی است. این اتفاق عملا مسئله تفکیک قوا و نظم دموکراتیک پیش‌بینی‌شده در قانون را دور می‌زند.

• در صحبت‌هایتان اشاره کردید که طراحان طرح صیانت نتوانستند آن را در داخل مجلس به سرانجامی برسانند. این در حالی است که شاهد یک مجلس کاملا یکدست از نظر سیاسی هستیم که حالا بیش از یک سالی است که با دولتی همسو هم همراه شده است. با این همراهی و جهت‌گیری مشخص سیاسی چرا طرح صیانت در مجلس به سرانجام نرسید؟

تجربه طرح صیانت تجربه خاصی بود. درست است که حاکمیت در ابتدای امر و حتی تا این اواخر اراده‌اش بر این بوده که مفاد طرح صیانت را اجرا کند و هیچ‌وقت هم از اجرای این طرح عقب‌نشینی نکرد اما چالش‌هایی هم در این مسیر وجود داشت. نخست اینکه آنها می‌خواستند این طرح را از مجرای مجلس به نتیجه برسانند و می‌دانیم که مصوبات مجلس چفت و بست محکم‌تری از مصوبات شورای عالی فضای مجازی دارند. اما اتفاقی که رخ داد این بود که مطرح‌شدن این طرح در مجلس با مخالفت‌های زیادی در سطح جامعه مواجه شد. از کسب‌وکارهای بزرگ اینترنتی تا جامعه متخصصان و اصناف و دانشجویان و گروه‌های مختلف با این طرح مخالفت کردند. نقدهایی که به این طرح وارد شد هم نقدهای بجایی بود. کمااینکه اگر همین الان هم اجازه نقد به وضعیت موجود داده شود، چنین نقدهای بجا، کارشناسی و فنی و دقیقی می‌توان از وضعیت داشت. ساختار مجلس تا حدی اجازه داد که افکار عمومی، بخش خصوصی و اصناف نقدهای خودشان به این طرح را وارد کنند و انصافا برای بخش زیادی از این نقدها پاسخی هم وجود نداشت. موضوع دیگر اینکه یک‌سری اختلاف‌نظرهایی بین طراحان طرح هم شکل گرفت. اگرچه ساختار سیاسی مجلس از بیرون یکپارچه به نظر می‌رسد ولی در بعضی از موارد به دلیل رقابت‌های داخلی برخی از گروه‌های نمایندگان مجلس با گروه‌های دیگر به مخالفت برخاستند که این مسئله هم در تضعیف موضع مجلس نسبت به این طرح مؤثر بود. در نهایت مؤثرترین عامل را می‌توانیم از زبان دبیر شورای عالی فضای مجازی بشنویم. آقای فیروزآبادی چندی پیش گفتند که درست است که ما به دنبال چنین ایده‌هایی بودیم و محتوای طرح صیانت را تأیید می‌کنند اما تصویب آن را در شرایط فعلی و با توجه به فشارهایی که از طرف افکار عمومی وارد می‌شود، به صلاح نمی‌دانند. این جمله‌ای بود که صراحتا ایشان اعلام کردند و عملا فهمیده شد که از طریق مجلس و به شکل رسانه‌ای نمی‌تواند این موضوع را پیش ببرد. برای همین به روال سابق و به شکل فراقانونی و پشت درهای بسته تلاش کرد تا سرانجامی برای این طرح بیابد. این است که اکنون تصمیمات غیرشفافی در این زمینه گرفته می‌شود که ما نمی‌دانیم حدود و ثغورش چه است و کی قرار است اجرا شود. ایده‌هایی مثل دسترسی محدود به اینترنت از طریق وی‌پی‌ان‌های قانونی یا همان اینترنت طبقاتی فازهای بعدی است که قرار است اجرا شود و نشانه‌های آن را ما می‌بینیم. اینها تصمیماتی است که از طریق مجلس پیش نمی‌رود و از مجرایی مانند شورای عالی فضای مجازی لباس واقعیت به تن می‌کند.

• این تصمیمات قابل اجرا هم هست؟ به این معنی که فرض کنیم اکنون در یک شرایط بحرانی قرار داریم و شرایط بحرانی جایی برای بررسی و نقد از یک سو برای طرف دیگر ماجرا باقی نمی‌گذارد. ولی اگر از شرایط بحرانی بگذریم، به هر حال جامعه قرار است با این ابزار کار کند و جامعه هم پیش‌تر در زمان بررسی این طرح در مجلس نظرش را گفته بود. با این نگاه آیا این شورا می‌تواند مصوباتش را اجرا کند؟

قابل اجراست. تنها مانعی که کار آنها را سخت می‌کرد، دیوار بزرگ فشار افکار عمومی بود. هر وقت که می‌خواستند این طرح را پیش ببرند به این دیوار برخورد می‌کردند. اما بعد از تجربه شکست‌خورده پیش‌بردن طرح در مجلس از مسیرها و شکل‌های مختلفی تلاش کردند این طرح را به نتیجه برسانند. از همین ابتدای سال ۱۴۰۱ به مدت چند ماه شاهد اختلالات فراگیری در دسترسی به اینترنت بودیم که بارها هم گزارش شد. اختلال‌هایی نظیر کندی سرعت، اختلالات رویداده‌های رمزنگاری‌شده به ویژه داده‌های رمزنگاری‌شده روی پلتفرم‌های اینستاگرام و واتس‌اپ یا محدودکردن بسیاری از ارتباطات با دیتاسنترهای خارجی و ایجاد اختلال روی آنها از مواردی بود که مکرر رخ می‌داد. ماجرای سیف سرچ گوگل را که فراموش نکردیم. هر بار که چنین اختلال‌هایی رخ می‌داد کارشناسان و فعالان دسترسی آزاد به اینترنت درباره آن هشدار می‌دادند و داده‌های فنی آن را اعلام می‌کردند. اما سیاست پاسخ‌گویی در این زمینه وجود نداشت. وزیر ارتباطات به عنوان سخنگوی سیستم در این حوزه بهانه‌هایی مانند بالارفتن کیفیت عکس‌های گوشی‌های هوشمند را دلیل کندشدن دسترسی به اینترنت می‌دانستند. حتی اشاره کردند که محدودبودن ظرفیت پهنای باند شبکه همراه یکی از دلایل کندی و اختلال می‌تواند باشد و وعده دادند که شبکه ثابت را توسعه خواهند داد و موضوعاتی از این دست. این در حالی است که نقدهایی که از سوی بچه‌های فنی و کارشناسان مطرح می‌شد موضوعاتی فنی بود که هیچ نسبتی با این بهانه‌ها و جواب‌های پوپولیستی سطحی نداشت. اما آن سیاست‌ها اجرا شد و با جواب‌های عوام‌فریبانه سعی می‌شد مسئله پوشش داده شود. این مسیر طی شد تا به اعتراضات مهر و آبان و آذر ۱۴۰۱ رسیدیم. جایی که به آنها بهترین بهانه را داد تا با موجه‌جلوه‌دادن محدودیت حق دسترسی به اینترنت سیاست‌ها را پیش ببرند؛ بنابراین اتفاقی را که امروز رخ داده، موقتی نمی‌بینم و آن را در راستای مصوبات قبلی این شورا و تصمیم جدی برای ایجاد این محدودیت‌ها می‌دانم که از فرصت اعتراضات برای اجرای سریع آن استفاده شد. این تصمیمی بود که مدت‌ها به شکل خیلی آرامی در حال اجراشدن بود و امروز به بهانه تأمین امنیت با تمام قدرت در حال اجراشدن است و به بهانه امنیت آزادی شهروندان محدود شده است.

> امروز و در سال ۱۴۰۱ وقتی می‌گوییم شورایی وجود دارد که درباره هر چیزی که به اینترنت مربوط است، می‌تواند قانون‌گذاری کند؛ یعنی داریم به هر چیزی که در زندگی شهروندان امروز ایرانی می‌گذرد، اشاره می‌کنیم؛ چون اینترنت اکنون بخش جدایی‌ناپذیر سبک زندگی ایرانی است. امروز که زندگی و کار میلیون‌ها ایرانی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به اینترنت مربوط است، باید بدانیم که شورای عالی فضای مجازی هم به معنی «شورای عالی همه چیز» است

• این «بهانه امنیت» چقدر جدی است؟ بیش از ۶۰ روز است که دسترسی به اینترنت برای ایرانی‌ها با اختلال‌هایی مواجه شده و بیش از ۶۰ روز اعتراضات ادامه داشت. قطع اینترنت تأثیری روی روند اعتراضات داشت؟

ما می‌توانیم بگوییم که این راهکارها راه‌حل‌های کوتاه‌مدتی است که می‌تواند کمک کند تا شرایط را به کنترل درآورند. اما در صحبت‌های خودشان هم معلوم است که می‌دانند قطع اینترنت ممکن است چه بلایی بر سر کسب‌وکارهای اینترنتی و زندگی مردم بیاورد. اما وقتی می‌بینند که با قطع اینترنت دامنه اعتراضات محدود یا کمتر می‌شود ناچارند چنین تصمیمی بگیرند. این نشان می‌دهد که یک نگاه کوتاه‌مدت به مدیریت بحران فعلی دارند و ابزاری جز قطع‌کردن اینترنت به نظرشان نمی‌رسد. حال آنکه می‌دانیم پاک‌کردن صورت‌مسئله است. این را نمی‌توان یک راه‌حل دانست، چون همین قطع‌کردن اینترنت و ادامه‌دادن به این سیاست موجب می‌شود بخش‌های دیگری از جامعه که شاید با اعتراضات همراهی نمی‌کردند هم به این دلیل همراه اعتراضات شوند. اگرچه این تصمیم از دیدگاه آنها برای تأمین امنیت گرفته شده، ولی می‌تواند خودش به تشدید ناامنی منجر شود. علاوه بر اینها می‌بینیم که با شکل فعلی اجرا استفاده از فیلترشکن‌ها هم خیلی فراگیر شده است و بالارفتن این آمار مسائل امنیتی فراوانی را برای کاربران و حاکمیت ایجاد می‌کند. این هم ریسک بزرگی است و شاید گوشه‌ای از ایجاد این ناامنی شبکه را می‌توانیم در هک‌های گسترده‌ای که اتفاق افتاده ببینیم. در واقع مسئله اصلی تأمین امنیت جای دیگری است اما گویا تصور می‌شود با قطع‌کردن اینترنت یا فیلترینگ گسترده می‌توان مسئله تأمین امنیت را حل کرد.

• با گذشت بیش از ۶۰ روز اختلال در اینترنت چه بلایی بر سر کسب‌وکارهای اینترنتی آمده است؟ آماری از بی‌کاری و همچنین ضرر و زیان اقتصادی هم داریم؟

همان‌طورکه گفتم امروزه اینترنت دیگر یک تکنولوژی جانبی یا ترجیحی نیست. بلکه این روزها در بطن کسب‌وکارها در جریان است. قطع‌شدن اینترنت به صورت مکرر را باید به قطعی برق یا آب تشبیه کنیم. این مسئله زندگی مردم را در لایه‌های مختلف مختل می‌کند. این اتفاق اکنون در حوزه کسب‌وکارها و در لایه‌های مختلفی رخ داده است. از کسب‌وکارهای اینستاگرامی تا کسب‌وکارهای اینترنتی و استارت‌آپ‌ها همه به نوعی از این مسئله آسیب دیدند. حتی کسب‌وکارهایی مانند مغازه‌ها و فروشگاه‌هایی که علاوه بر فروشگاه فیزیکی روی فروش اینترنتی هم حساب باز کرده بودند، اکنون از این اتفاق رخ‌داده در زمینه اینترنت آسیب دیدند. امروز بعد از دو ماه این اشتباه است که بگوییم روزانه فروش فروشگاه‌های اینترنتی فلان‌قدر پایین آمده، چراکه همه در حال آسیب‌دیدن از قطع اینترنت هستند. امروز با گذشت بیش از دو ماه از این اتفاقات بخش عمده‌ای از اکوسیستم استارت‌آپی نابود شده و بخش زیادی به شکلی غیر قابل بازگشت از بین رفته است. تیم‌های استارت‌آپی با موج بزرگی از تعدیل‌ها مواجه شده‌اند که در کنار جذابیت‌هایی که کشورهای توسعه‌یافته و حتی کشورهای همسایه برای متخصصان ما ایجاد کرده‌اند موجب شکل‌گرفتن مهاجرت‌های گسترده شده و ازاین‌رو این فضا بخش بزرگی از نیروی انسانی کاربلدش را از دست داده که شاید بزرگ‌ترین سرمایه‌اش بوده است. در نظرسنجی که سایت جاب‌ویژه به‌تازگی از یک جامعه هشت هزار نفری انجام داده، از هر چهار نفر یک نفر شغلش را در این مدت از دست داده است؛ یعنی یک بی‌کاری ۲۵ درصدی در این مدت شکل گرفته است. ۲۵ درصد دیگر از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی هم گفته‌اند که شغلشان با اتفاقات اخیر تحت تأثیر قرار گرفته است. همین اعداد و ارقام ساده بخشی از فاجعه رخ‌داده در حوزه منابع انسانی را نشان می‌دهد؛ بنابراین همه این اتفاقات نشان می‌دهد که ما با یک زلزله گسترده در اقتصاد دیجیتال‌مان مواجه هستیم و فقط بحث خسارت روزانه نیست، بلکه صحبت از نابودی بخشی از کسب‌وکارهاست.

• ولی ما در روایت رسمی مسئولان اصلا اشاره‌ای به اینکه چه بلایی بر سر کسب‌وکارها و شغل مردم آمده است، نداریم.

متأسفانه آن بخشی از سیستم که به دنبال این بود که فضای اینترنت را به شرایط فعلی برساند، این روزها خیلی فعال شده‌اند و از مزایای این اتفاق می‌گویند. گزارش‌هایی به افراد مختلف داده می‌شود مثل گزارشی که مرکز ملی فضای مجازی به دولت داده و مطالعه آن سوگیری شدیدش در این زمینه را نشان می‌دهد. در این گزارش‌ها تعریف نادرستی از تأثیر اینترنت و دسترسی به پلتفرم‌ها روی کسب‌وکارها وجود دارد. بسیاری از جاها می‌بینیم که تأثیر دسترسی فعلی به اینترنت و پلتفرم‌ها را به یکی از جوانب موضوع محدود می‌کنند. مثلا وقتی آمار تأثیر اقتصادی اختلال اینترنتی بر کسب‌وکارها را مطرح می‌کنند، آن را فقط به فروشگاه‌های کوچکی که از طریق اینستاگرام کارشان را پیش می‌برند، محدود می‌کنند و نمی‌پذیرند که اینترنت در زندگی همه مؤثر است و در بسیاری از کسب‌وکارهایی که اسم اینترنتی ندارند نیز تأثیر فراوانی دارد. در مقابل مسئولان پیشنهاد می‌کنند همین بخش از کسب‌وکارهای خردی که فروشگاه‌هایی در اینستاگرام دارند نیز به پلتفرم‌های داخلی کوچ کنند و به این ترتیب مشکل حل خواهد شد. این گروه‌ها در واقع متوجه مفهوم اقتصاد اشتراکی نشده‌اند. متوجه نیستند که علت حضور کسب‌وکارها در اینستاگرام، این است که زندگی مردم در اینستاگرام جریان داشت. در واقع مردم در بستر این پلتفرم زندگی می‌کردند، ارتباطات و تجربه‌های‌شان را گسترش می‌دادند و به‌عنوان بخشی از فرایندهای روزمره زندگی‌شان از کسب‌وکارها هم خرید می‌کردند. در واقع ذیل آن زیست دیجیتال ارگانیک بود که کسب‌وکارها هم می‌توانستند زندگی کرده و از مشتری‌های‌شان پذیرایی کنند. جداکردن فضای کسب‌وکار از آن فضای زیست دیجیتال باعث می‌شود آن نوع کسب‌وکارها کاملا از هم بپاشند و از بین بروند. بنابراین ما نمی‌توانیم یک اکوسیستم آکواریومی را به صورت محدود ایجاد کنیم و انتظار داشته باشیم آن اتفاقی که به صورت بزرگ‌تر در یک اقیانوس در حال رخ‌دادن است، در این آکواریوم هم رخ بدهد.

• نکته جالب درباره واکنش مسئولان کشور به تأثیر اختلال اینترنتی بر کسب‌وکارها این است که سعی دارند این بازار را خیلی محدود و کوچک نشان بدهند و با این کوچک‌کردن، بگویند اتفاقی در این عرصه رخ نداده است. این کوچک‌پنداشتن فضای کسب‌وکارهای اینترنتی به نوعی خودزنی نیست؟ آن‌هم درحالی‌که تا پیش از رخ‌دادن این اتفاقات تلاش می‌شد این عرصه را به‌عنوان یک بخش مهم از اقتصاد کشور معرفی کنند که موجب کارآفرینی شده و شغل‌های زیادی ایجاد کرده است؟

دقیقا همین اتفاق افتاده است. در خیلی از جاها می‌بینیم که حتی هدف‌گذاری‌هایی که از قبل انجام شده بود نیز از بین رفته است. خودتان را به فضای دیجیتال محدود نکنید. حتی وعده‌هایی که برای ایجاد شغل هم داده شده بود، در تناقض کامل با اتفاقاتی است که اکنون در این عرصه رخ داده است. حرف‌های انتخاباتی کجا و وضعیت کنونی کجا. کسی هم حالا نیست که به این مسئله پاسخ بدهد. خود آقای رئیس‌جمهور چندین و چند بار در فرایند انتخاباتی‌شان به اینستاگرام اشاره کردند و اینکه آنجا پیج دارند و دنبال‌کننده یا اینکه خانواده‌شان از این طریق خرید انجام می‌دهند. درست همان زمانی که خود آقای رئیس‌جمهور این حرف‌ها را در انتخابات می‌زدند، مصوباتی در شورای عالی فضای مجازی وجود داشت که به دولت‌ها دستور می‌داد استفاده از اینستاگرام را محدود کنند. این تناقض از همان ابتدا وجود داشت و توسط کارشناسان و متخصصان هم هشدار داده می‌شد. امروز می‌بینیم که همه آن چیزهایی که در ماه‌ها و سال‌های گذشته از سوی کارشناسان هشدار داده می‌شد، در حال اجراست و آنهایی که این هشدارها را می‌دادند حالا گرفتار شده‌اند. در اسناد هک و منتشرشده هم می‌بینیم که این تناقض وجود داشته است.

• یک موضوع دیگر مسئله پلتفرم‌های داخلی است. اختلال در اینترنت، محدودسازی دسترسی به پلتفرم‌های جهانی و در ادامه تبلیغات گسترده دولت درباره پلتفرم‌های داخلی سکه رایج این روزهاست. ما یک تجربه شکست‌خورده در زمینه پلتفرم‌های داخلی را در ماجرای فیلترکردن تلگرام داریم. با آن تجربه چقدر این تلاش دولت می‌تواند به اهدافش نزدیک شود؟ اساسا شدنی هست؟

این قطعی ناگهانی دسترسی‌ها و در معذوریت گذاشتن مردم نمی‌تواند منجر به رشد استفاده از پلتفرم‌های داخلی شود. کمااینکه گفتم وزیر ارتباطات در گزارشی که به مجلس داد نیز آماری در این زمینه ارائه کرد. مثلا آقای وزیر می‌گویند روزانه شاهد افزایش آمار استفاده از پلتفرم‌های داخلی هستند، اما به صورت مشخص و دقیق نمی‌گویند این رقم چقدر است. به جای اینکه تصویر دقیقی از وضعیت موجود ساخته شود، ارجاعات غیردقیق داده می‌شود. ما می‌دانیم که امروز مصرف ترافیک بین‌المللی به یک‌سوم کاهش پیدا کرده و از رقم شش ترابیت در ثانیه به رقم ۲.۵ ترابیت در ثانیه کاهش یافته است. وقتی شما دسترسی به ترافیک بین‌المللی را محدود می‌کنید، طبیعی است که نسبت ترافیک داخلی بیشتر می‌شود. وقتی از درصد صحبت می‌کنید بدون اشاره به رقم دقیق ترافیک و تنها درصدها را بیان می‌کنید، در واقع یک رندی در اطلاع‌رسانی را انجام می‌دهید. شما می‌گویید درصد استفاده ترافیک داخلی از خارجی بیشتر شده است، اما نمی‌گویید این بیشترشدن به خاطر کم‌کردن ترافیک بین‌المللی است نه اقبال به ترافیک داخلی! تا زمانی که نگاه به پلتفرم‌های اجتماعی و زیست دیجیتال مردم یک نگاه مکانیکی، سخت‌افزاری و نرم‌افزای باشد و حوزه‌های مربوط به جامعه‌شناسی زیست دیجیتال مردم را نادیده بگیرند، معلوم است که با چالش‌هایی مواجه هستیم. می‌بینیم که مردم علاقه‌ای ندارند زندگی‌شان را به کانال، اتاق و گروه‌هایی ببرند که به آنها دوربین وصل شده و همه چیز تحت کنترل است. خیلی زود این ولع کنترل‌گری در پلتفرم‌های داخلی خودشان را نشان دادند و دیدیم که در ایتا اتفاقاتی رخ داده و محتواهای کاربرانی حتی بدون حکم قانون و بدون اینکه ارگانی از آنها خواسته باشد، مسدود و محدود شده است. این اتفاقات در روبیکا هم رخ داده است. این اتفاقات خودش را به‌خوبی نشان داده که مسئله اصلی پلتفرم داخلی یا خارجی نیست، بلکه مسئله اصلی آزادی بیان است. مسئله رصد رفتار کاربران و کنترل‌گری است. یک شاهد دیگر برای این ماجرا هم خبری است که بارها به آن اشاره شده و تفاهم‌نامه‌هایی هم برای آن منعقد شده و آن هم احتمال حضور پلتفرم‌های روسی و چینی در ایران است. یعنی چه در لایه زیرساخت و چه در لایه پلتفرم و نرم‌افزار به‌زودی شاهد حضور روس‌ها و چینی‌ها خواهیم بود که می‌دانیم همکاری تمام‌عیاری با نیروهای نظارتی خواهند داشت.

• به عنوان آخرین سؤال، در ۶۰ روز گذشته و متأثر از اتفاقاتی که در ایران رخ داد، شاهد دستگیری و بازداشت برخی فعالان عرصه دسترسی آزاد به اینترنت هم بودیم. این مسئله را چگونه بررسی می‌کنید؟

به نظر می‌رسد اراده‌ای پشت این بازداشت‌ها بود تا افراد برجسته جامعه فعالان اینترنت را محدود کنند. عمده این افراد از چهره‌های تأثیرگذار این عرصه بودند که در سال‌های اخیر به‌ویژه یک سال گذشته در زمینه چالش‌های دسترسی کاربران به اینترنت اطلاع‌رسانی می‌کردند و درباره طرح‌هایی همچون صیانت انتقادهای گسترده‌ای بیان می‌کردند. به نظر بازداشت این چهره‌های فعال رفتاری برای رساندن پیام به سایر فعالان این عرصه است. این رفتار علاوه بر اینکه موجب می‌شود این چهره‌های فعال دیگر تمایلی نداشته باشند مثل قبل در این زمینه فعالیت کنند، باعث دلسردشدن سایر علاقه‌مندان نیز می‌شود. این محدودیت را نباید فقط به بازداشت چند نفر از شریف‌ترین و عزیزترین چهره‌های فعال در عرصه اینترنت محدود کنیم، بلکه دامنه آن را باید به احضارهای گسترده، تذکرها و درخواست‌ها برای حذف پیام‌ها و محتواهای منتشرشده در شبکه‌های اجتماعی هم گسترش دهیم. امروزه بخش زیادی از فعالان این حوزه درگیر سطوحی از این کنترل‌گری شده‌اند.

> از ابتدای شکل‌گیری شورای عالی فضای مجازی قرار بود سیاست‌های کلی حوزه اینترنت در آنجا بررسی شود. اگرچه همین تصمیم هم با انتقادهایی همراه بود و بسیاری معتقد بودند افرادی که آنجا حضور دارند، هیچ شناختی از فضای کار در این عرصه ندارند و بیشتر نگاه مدیریتی و حکمرانی به مسئله دارند؛ اما به‌تدریج شورای عالی فضای مجازی که به همان کارویژه اولش هم انتقاداتی وارد بود، از سطح سیاست‌گذاری خارج شد و و وارد سطح قانون‌گذاری شد. درحالی‌که می‌دانیم که این بخش در حوزه وظایف مجلس است

روایتی نزدیک‌تر درباره تعطیلی بازار ۷۰ هزار میلیارد تومانی اینستاگرام

ایتا و اینستا فرقی ندارد

معصومه اصغری: چرا قراردادن یک پیام در پلتفرمی داخلی همچون ایتا باعث انسداد کانال و جرم‌انگاری آن کاربر و قراردادن پیام و استوری در اینستاگرام هم مصداق جرم محسوب می‌شود؟ پس تفاوت در چیست؟ مهدی نصیری، سردبیر سابق روزنامه کیهان، در کانال خود در پیام‌رسان «ایتا» تصویری از تجمعی مسالمت‌آمیز در دانشگاه شریف را همراه با متنی منتشر کرد و ایتا به دلیل همین پیام کانال آقای نصیری را مسدود کرد. در متنی که به‌عنوان دلیل این انسداد اعلام شده، مواردی همچون «تشویش اذهان عمومی و نشر اکاذیب» ذکر شده است. این اتفاق در شرایطی که موضوع مسدودشدن چند شبکه اجتماعی همچون اینستاگرام و واتس‌اپ و هم‌زمان اجرای غیررسمی طرح صیانت اعتراض برخی را در پی داشته، با واکنش از سوی کاربران در شبکه‌های اجتماعی روبه‌رو شده است.

آنچه به‌عنوان محدودیت برای فضای شبکه‌های اجتماعی در حدود دو ماه اخیر به وجود آمده، ابعاد مختلفی دارد که می‌توان آن را در دو بخش وابستگی‌های اقتصادی و محدودیت اجتماعی در شبکه‌های اجتماعی تقسیم‌بندی کرد. در این گزارش بخشی از ضرر کلانی را که به بخش خصوصی و کسب‌وکارهای خرد و کلان با حذف و انسداد اینستاگرام داشته‌اند، بررسی می‌کنیم. موضوعی که در سال‌های گذشته همواره محل اختلاف دولت و بخش‌های دیگر بود و دولت قبل تا حد زیادی در مقابل تلاش‌ها برای فیلترینگ و اجرای طرح‌های صیانتی مقاومت کرده بود. رئیس دولت سیزدهم هم در ابتدای شروع به کار خود و در وعده‌های انتخاباتی، مانور زیادی روی این موضوع داد و اخبار احتمالی فیلترینگ و صیانت را اتهام به خود برشمرد. آن جمله معروف ابراهیم رئیسی در ون سفرهای انتخاباتی هنوز در شبکه‌های اجتماعی با طعنه دست به دست می‌شود که «برخی اتهامی را به دلیل منافعشان به من می‌زنند که من می‌خواهم اینستاگرام را فیلتر کنم. الان اینستاگرام ابزار کار و کسب درآمد مردم است، چه کسی می‌آید محل درآمد مردم را تعطیل کند؟ دختران من خیلی وقت‌ها خریدهایشان را از طریق همین شبکه انجام می‌دهند، چون می‌گویند هم راحت‌تر است و هم ارزان‌تر! خود من هم در اینستاگرام صفحه دارم و تقریبا هر شب کامنت‌ها را نگاه می‌کنم». حالا آنچه اتفاق افتاده دقیقا همین بستن محل کسب‌وکار و درآمد مردم است و در این دو ماه و طبق گزارش تفصیلی مرکز ملی فضای مجازی از آمار کسب‌وکارهای دیجیتال در سکوهای داخلی و خارجی، حجم بازار اینستاگرام در ایران که در سال ۷۰ هزار میلیارد تومان است و حداکثر ۷.۳ درصد از اقتصاد دیجیتال کشور را تشکیل داده، از دسترس مردم و فعالان کسب‌وکار این عرصه خارج شده است. اگرچه هنوز جمعیت محدودی با انواع فیلترشکن و VPN در اینستاگرام فعال هستند، اما آمارها حاکی از ریزش عمده و فله‌ای از این بازار است. بااین‌حال، سؤال این است که این کسب‌وکارها در این مدت و در خلأ نبود این بازار چه کرده‌اند و چه باید بکنند؟

سمیه سایش، کارشناس فضای مجازی، با اشاره به ضرر حداکثری و عمده‌ای که کسب‌وکارهای خرد و کلان در این حدود دو ماه داشته‌اند، به «شرق» گفت: بخش مهمی از کسب‌وکارهای اینترنتی در این چند سال اخیر با توجه به رکود در بازار و محدودیت‌های اقتصادی، کسب‌وکارشان را در بستر فروش آنلاین و به‌ویژه اینستاگرام قرار داده بودند تا کمتر متضرر شوند و حالا در این شرایط دیگر هیچ بستر جایگزینی برای فروش آنلاین ندارند.

او با تأکید بر اینکه شرایط به‌وجودآمده بخش زیادی از فعالان این عرصه را دچار ترس و نگرانی عمیق کرده و تصویری از آینده این شرایط ندارند، گفت: علت این ترس و فضای ابهام‌آلود این است که هیچ قانون رسمی و مدونی و هیچ تضمینی وجود ندارد که اپلیکیشن‌های جدید معرفی‌شده از سوی دولت مورد استقبال مردم قرار بگیرد و اصلا در آینده باقی بمانند و در مرحله بعد هیچ قوانین روشنی درباره قوانین و الزامات محدودکننده وجود ندارد و ممکن است با هر سلیقه‌ای شرایط تغییر کند.

سایش به بازخوردها و اطلاعاتی که کاربران در این مدت درباره پلتفرم‌ها و برنامه‌های جایگزین دولتی مطرح کرده‌اند، اشاره کرد و گفت: کاربران درباره خط‌مشی‌ای که این برنامه‌ها دارند، کلیدواژه‌هایی که برای کنترل مطالب در آنها وجود دارد و محدودیت‌های فنی مختلف صحبت کرده‌اند که در صورت هر نوع خطایی و استفاده از برخی کلمات، دسترسی کاربر یک‌طرفه قطع می‌شود.

او افزود: حتی اگر قرار باشد کسی از اپلیکیشن‌های ایرانی معرفی‌شده از سوی دولت استفاده یا در آنها سرمایه‌گذاری کند، این میزان از کنترل و محدودیت باعث می‌شود مخاطبان از آن گریزان شوند. این کارشناس فضای مجازی با تأکید بر اینکه دولت و متولیان مربوطه باید تغییر نگرش داشته و متوجه باشند که نباید تمام مسیرها برای سرمایه‌گذاری‌های خرد و کلان را بست، افزود: شرایط فعلی به‌وجودآمده به‌هیچ‌وجه خوشایند و مورد قبول فعالان این عرصه به‌ویژه بخش خصوصی نیست و در همین مدت کوتاه کسب‌وکارهای زیادی متضرر شده‌اند و با ادامه این روند، وضعیت بازار بدتر خواهد شد.

او با تأکید بر اینکه باید درباره قوانین وضع‌شده تغییر نگرش صورت گیرد و با کمک کارشناسان و دلسوزان بلایی را که به وجود آورده‌اند، مورد ارزیابی مجدد قرار دهند، افزود: هر روز فشار روی فعالان خرد و کلان حوزه‌های اقتصادی بیشتر می‌شود و ادامه این روند همان اندک سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی را هم فراری می‌دهد. دنیای امروز دیگر دورانی نیست که با فیلترینگ، کسب‌وکارها و شبکه‌های اجتماعی را محدود کنیم. قوانین جدید به شرایط بد بازار دامن می‌زند و باید توجه داشت که اعتراض‌های این دوره با دوره‌های قبل متفاوت است و باید به حرف معترضان گوش کنیم. دولت باید تصمیم سریع داشته باشد و در این تصمیم و قوانین بازنگری کند و حداقل به دوره قبل برگردد و فضای آزاد برای کسب‌وکار در بستر اینترنت آزاد وجود داشته باشد.

این کارشناس فضای مجازی با بیان اینکه به نظر می‌آید تصمیم و اهتمامی برای بازگشت به شرایط قبل دیده نمی‌شود و حتما این شرایط ما را به بن‌بست می‌کشاند، افزود: هر زمان بدون بررسی و کار کارشناسی روی موضوعی سماجت و تأکید شده، آن موضوع به بن‌بست رسیده و الان هم در همین شرایط هستیم. اگر رویکرد دولت این است که کماکان روی این شرایط و قوانین تأکید کند و حتی در این عرصه سرمایه‌گذاری کلان کند، ضرر بزرگی را شاهد خواهیم بود.

سایش با اشاره به شروع برخی پروژه‌های خبری و سفارشی از سوی دولت با همکاری برخی رسانه‌ها و خبرنگاران برای مثبت نشان‌دادن عملکرد اپلیکیشن‌های داخلی، تصریح کرد: این خبرنگاران با کارشناسان درباره طرح‌های جدید دولت گفت‌وگوی حمایتی می‌گیرند، درحالی‌که کسی موافق اجرای این طرح‌ها نیست.

او با اشاره به مخالفت جدی فعالان بخش خصوصی با این طرح دولت و محدودیت‌های اعمال‌شده، گفت: این فعالان بخش خصوصی در این مدت بی‌کار هم نبوده‌اند و نامه‌هایی را به رئیس‌جمهور، مرکز ملی فضای مجازی و وزارت ارتباطات و مراکز دیگر ارسال کرده‌اند. این نامه‌های سرگشاده نشان می‌دهد موافق این بستر نیستند و دولت هم نباید این‌قدر پافشاری داشته باشد؛ چراکه نتیجه عکس خواهد بود.

سپیده، هنرمندی است که با نقره و برنج زیورآلات را می‌آفریند و از حدود هفت سال قبل، هم‌زمان با فروش حضوری، صفحه اینستاگرامش را هم فعال کرده و در این مدت بخشی از فروش او آنلاین بوده است. او می‌گوید تجربه این سال‌ها و اتفاق‌ها و محدودیت‌هایی که وجود داشت، به من یاد داد نباید همیشه روی فروش آنلاین تمرکز کنم و به همین دلیل بخشی از فروش حضوری را همیشه نگه داشته‌ام. در این سال‌ها با اتفاقات سال ۹۸ یا کرونا، فروش آنلاین بالا و پایین زیادی داشت و از آنجایی که محصول من نیاز اولیه مردم نیست، با فشارهای اقتصادی و محدودیت‌های آنلاین جزء اولین مواردی است که از سبد خرید مردم بیرون می‌رود. سپیده می‌گوید در این حدود دو ماه فروش آنلاین و اینستاگرامی او به صفر رسیده و فروش حضوری را به روش‌های مختلفی ازجمله در بازارهای روز دنبال می‌کند و می‌افزاید: بسیاری از همکاران مردی را که می‌شناسم و فروش اینستاگرامی داشته‌اند، در این دو ماه بی‌کار شده‌اند و برای گذران زندگی مسافرکشی و اسنپ را انتخاب کرده‌اند و همکاران خانم هم به دنبال محصولات جدید و روش‌های جایگزین برای فروش هستند. او می‌گوید قصد واردشدن در پلتفرم‌های ایرانی فروش کالا و شبکه‌های اجتماعی آنها را ندارد؛ چراکه اعتمادی به این فضاها نیست و در ادامه به عملکرد دولت در حذف همه شبکه‌های اجتماعی بین‌المللی اشاره می‌کند. او می‌افزاید: چطور در حوزه اقتصادی باید به افرادی که یک شبکه بین‌المللی را یک‌طرفه حذف می‌کنند و شبکه اجتماعی خودشان را جایگزین می‌کنند، اعتماد کنیم؟ بـه غیر از این موارد، در این برنامه‌های داخلی جمعیت درخور توجهی حضور ندارد و فضای رقابتی در آنها شکل نگرفته تا مردم عادی بخواهند در آنها فعالیت کنند و خرید کالا داشته باشند.

دنیا یکی دیگر از هنرمندانی است که محصولات خود را شامل شیشه‌های رنگی و زیورآلات زرینی در صفحه اینترنتی به فروش می‌رسانده و در توضیح شرایطی که در چند سال گذشته برای فروش محصولات داشته‌اند، می‌گوید: مدت کوتاهی مغازه داشتیم؛ اما به دلیل افزایش قیمت‌ها در سال ۹۸ و بعد هم حوادث آبان و تعطیلی اینترنت و بعد هم کرونا مجبور شدیم مغازه را جمع کنیم و بخش زیادی از فروش عمده و جزئی ما از طریق صفحه اینستاگرام ادامه پیدا کرد و در این مدت دوماهه دوباره فروش‌مان با اختلال جدی مواجه شده است. او می‌گوید در ماه‌های تیر و مرداد و شهریور و تا قبل از فیلترشدن اینستاگرام، در طول هر هفته بین ۱۵ تا ۲۰ فروش عمده برای شهرستان‌ها داشته‌اند؛ اما در هفته‌های اخیر نزدیک به صفر شده و فقط فروش حضوری در بازار پروانه برای آنها باقی مانده است. او می‌گوید: فارغ از مسئله اینترنت تحصن و عدم رغبت شهروندان به خرید مستقیما روی میزان فروش آنها تأثیر می‌گذارد. به عبارتی وقتی مشتری به مغازه‌ها و فروشگاه‌های حضوری و مجازی مراجعه نکند، مغازه‌دار هم از بازاری و تولیدی‌ها خرید نمی‌کند و در ادامه بازاریان هم فروشی ندارند و این چرخه ادامه پیدا می‌کند.

این تولیدکننده متضرر از قطعی اینترنت با اشاره به عدم استقبال عمومی از برنامه‌ها و شبکه‌های اجتماعی داخلی، ضمن اعلام اینکه تمایلی به عضویت در این برنامه‌ها ندارد، گفت: این برنامه‌های امنیت لازم را در ذهن مخاطب ایجاد نمی‌کنند. ضمن اینکه من و بسیاری از همکارانم در اینستاگرام مشتری‌های خارجی هم داشتیم و حالا در این نرم‌افزارهای اجباری چطور قرار است با آنها در ارتباط باشیم؟

او تصریح کرد: به فرض که من در این برنامه‌های ایرانی وارد شده و حساب کاربری را راه‌اندازی کنم، با باقی مردم و مشتری‌ها که در این برنامه نیستند، چطور ارتباط برقرار کنم؟

محمد کشوری، کارشناس فناوری اطلاعات، هم با اشاره به آمار ارائه‌شده از سوی مرکز ملی فضای مجازی و ضرری که تنها به واسطه فیلتر اینستاگرام ایجاد شده است، گفت: آمار ارائه‌شده از سوی مرکز ملی فضای مجازی، حجم اقتصاد مرتبط فقط با اینستاگرام را ۷۰ هزار میلیارد تومان تخمین زده است که حدود هفت درصد اقتصاد دیجیتال است. ما درباره مختل‌شدن یک اقتصاد ۷۰ هزار میلیارد تومانی صحبت می‌کنیم و این عدد جدا از اختلال در سایر بخش‌های کسب‌وکارهای اینترنتی است.

او با تأکید بر اینکه این ۷۰ هزار میلیارد تومان را در سه بخش باید بررسی کرد، افزود: شبکه ارتباطی و اپراتورهای تلفن همراه به‌عنوان بزرگ‌ترین واحدهای اقتصادی فضای مجازی کشور تقریبا حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان درآمدشان را فقط از همین محل از دست داده‌اند و به عبارتی آنها تاکنون حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان تنها از اینستاگرام عایدی داشته‌اند و اینکه از سایر بخش‌های این اقتصاد چقدر درآمد دارند، بماند. البته همه این درآمد را از دست نداده‌اند؛ چراکه همین حالا با فیلترشکن بخشی از این بازار همچنان فعال است.

این کارشناس فناوری اطلاعات با اعلام اینکه ۱۵ هزار میلیارد تومان از این ۷۰ هزار میلیارد تومان حجم محصولاتی است که در اینستاگرام در حال فروش است و ۲۵ هزار میلیارد تومان دیگر هم مربوط به بخش‌های عادی اقتصادی است که از طریق اینستاگرام کسب درآمد و فروش داشته‌اند، گفت: این آمارها که از سوی یک نهاد رسمی منتشر شده، مبنای خوبی است برای بررسی این شرایط نگران‌کننده به‌وجودآمده.

او با بیان اینکه اعلام شده بیش از ۴۱۵ هزار فروشگاه اینستاگرامی در بخش مشاغل خرد اینستاگرامی فعال هستند و همه متأثر از این فضا شده‌اند، افزود: در این گزارش اعلام شده که بیش از یک میلیون کسب‌وکار خرد داخلی در ۱۰ پلتفرم داخلی فعال هستند؛ اما یک نکته وجود دارد و آن اینکه این یک میلیون کسب‌وکار در همین چند وقت اخیر و بعد از فیلترینگ گسترده وارد نشده‌اند؛ بلکه از قبل و مثلا در پلتفرم‌هایی مثل دیجی‌کالا فعال بوده‌اند. او افزود: در فضایی مثل دیجی‌کالا تولیدکنندگان زیادی برای فروش محصول‌شان وارد شده‌اند و حضور در آن از سال‌ها قبل بوده است و کسی که در آن فعال است، مثلا در باسلام هم فعال است. در عین حال باید توجه داشت که شبکه‌های اجتماعی حوزه متفاوتی نسبت به چنین برنامه‌هایی هستند و نمی‌توان گفت افرادی که در این پلتفرم‌های داخلی هستند؛ پس نیازشان برطرف شده و همین چند سکوی داخلی کفایت می‌کند. فضایی مثل اینستاگرام را که یک شبکه اجتماعی است، نمی‌توان با دیجی‌کالا و باسلام مقایسه کرد؛ مشتری برای سرگرمی در باسلام وارد نمی‌شود، تنها برای خرید یک کالا این پلتفرم را باز می‌کند؛ اما برای سرگرمی و ارتباط با دیگران وارد شبکه‌ای اجتماعی مثل اینستاگرام می‌شود و در کنار آن خرید کالا هم دارد؛ بنابراین جایگزین اینستاگرام فقط پلتفرم‌هایی شبیه آن هستند، نه دیجی‌کالا و باسلام!

کشوری افزود: باید توجه داشت که برای جایگزینی این نرم‌افزارها تنها به قابلیت فنی نیاز نیست؛ بلکه باید اعتماد و حضور میلیونی کاربر را هم در نظر گرفت و تا این فضا میلیونی نباشد، فرصتی برای کسب‌وکار ایجاد نمی‌شود.

این کارشناس با اشاره به این سؤال که چرا کاربران به این برنامه‌های ایرانی نمی‌آیند و استقبالی نمی‌شود، گفت: بخشی از این دلایل به ذهنیت درست یا غلط کاربران درمورد نبود اعتماد و امنیت به این پلتفرم‌ها برمی‌گردد، بخشی از آن هم به محدودیت‌های محتوایی و قواعد نانوشته که ایجاد محدودیت می‌کند، برمی‌گردد. در این پلتفرم‌های داخلی به محض اینکه کاربری مورد توجه قرار گیرد، با آن برخورد می‌شود و گویا دایره کلماتی وجود دارد که براساس‌آن محتوای کاربران کنترل می‌شود؛ به‌همین‌دلیل کاربران ممکن است از قبل پیشگیری کنند و بگویند وقتی می‌دانیم چنین محدودیتی وجود دارد، چرا باید در این فضا وارد شویم و رشد کنیم و فالوئر بالا بگیریم و بعد چنین برخوردهایی شود.

کشوری با تأکید بر اینکه این چالش‌ها درمورد برنامه‌های ایرانی از سوی سرمایه‌گذاران به‌عنوان چالش جدی مطرح است و کاربران هم فرصت ریسک را کم می‌کنند، افزود: این تعارض در قوانین و برخوردهای قهری بالاخره خود را نشان می‌دهد، نمونه این برخوردها را چند روز اخیر درمورد کانال آقای محمد نصیری، سردبیر سابق کیهان، مشاهده کردیم. ایشان یک پست متفاوت سیاسی منتشر کرده بود و پیام‌رسان خودش تشخیص داده که این پیام فلان شعار را در دل خود دارد و در نتیجه صفحه این فرد را از دسترسی خارج کرد. این همان بحث کنترل‌گری قاعده‌مند یا بی‌قاعده؛ اما با معیارهای نانوشته است که کاربران را می‌ترساند. او با بیان اینکه مهم‌ترین دلیل رونق‌نداشتن پیام‌رسان‌های داخلی همین مسائل است، افزود: در پیام‌رسان‌ها که غلبه با اصل پیام‌رسانی و فضای خصوصی است و نه شبکه اجتماعی بودن، چالش محتوایی زیاد نیست؛ اما در شبکه‌های اجتماعی چالش محتوایی اهمیت زیادی پیدا می‌کند و افرادی که می‌خواهند برای توسعه یک کانال یا پیج و تبلیغات و... سرمایه‌گذاری کنند، از آینده پیج مطمئن نیستند. مسئله این است که حذف یک‌طرفه پست یا پیج به دلیل یک محتوا چه در اینستاگرام و چه در مثلا برنامه ایتا غلط است و با این روند باید مقابله کرد.

کشوری افزود: درحال‌حاضر از ۱۰ شبکه اجتماعی معتبر در دنیا ۹ مورد آن در ایران مسدود است. این روند از ابتدای دهه ۹۰ شروع شد و یکی‌یکی شبکه‌ها مسدود شدند و مردم از یک شبکه اجتماعی به شبکه اجتماعی دیگر کوچ کردند. امروز هم با ادامه و نتیجه همین سیاست‌های نادرست روبه‌رو هستیم؛ وگرنه همین اپلیکیشن‌های خارجی در کشورهای دیگر همسایه مثل عراق هم استفاده شده و مشکلی هم وجود نداشته است.

این کارشناس تأکید دارد که نباید فعالیت کسب‌وکار در پلتفرم‌ها را با حضور مردم در شبکه‌های اجتماعی از هم جدا کنیم و افزود: توسعه کسب‌وکارها به واسطه حضور مردم است و هر دو لازم و ملزوم یکدیگر هستند و همدیگر را جذب می‌کنند.

او تأکید دارد که نقطه مشترک برای رفع این شرایط نابهنجار که باعث ضرر مردم شده، تعامل و گفت‌وگو است و اینکه دولت و مسئولان مربوطه شرایط اقتصادی مردم را در نظر بگیرند. کشوری افزود: با ذهنیت کنترل‌گری صداوسیمایی نمی‌توان شبکه اجتماعی را مدیریت کرد. اینکه یک نهاد و ناظر مرکزی وجود داشته باشد و کنترل کند، دیگر قدیمی شده و حتی اگر در قالب جدید بازتولید شود، هم جواب نمی‌دهد. باید به وجدان عمومی جامعه و کاربران بهای بیشتری داده شود و در غیراین‌صورت نمی‌توانند در شبکه‌های اجتماعی با این شرایط مخاطب جذب کنند. نمی‌شود شعار جایگزینی پلتفرم خارجی را بدهند و درعین‌حال هم‌زمان فضا را به‌شدت محدود کنند.